



## **توسعه بدون شناخت درست انسان امکان پذیر نیست / تحول علوم انسانی نیازمند تغییر مبانی است**

یک محقق و پژوهشگر فلسفه گفت: به هیچ توسعه و پیشرفتی نخواهیم رسید مگر این که اول به شناخت توانایی های انسان رسیده باشیم، بنابراین اولین گام این است که به انسان و به آن چیزهایی که وابسته به انسان است اولویت بدهیم.

یک محقق و پژوهشگر فلسفه گفت: به هیچ توسعه و پیشرفتی نخواهیم رسید مگر این که اول به شناخت توانایی های انسان رسیده باشیم، بنابراین اولین گام این است که به انسان و به آن چیزهایی که وابسته به انسان است اولویت بدهیم. دکتر فائزه عابدکوهی در مورد اینکه مبانی علمی و فلسفی تحول در علوم انسانی چیست به خبرنگار مهر گفت: در بحث علوم انسانی مشخصاً مناقشه اصلی بحث ماهیت علوم انسانی است. مهمترین مسئله آن هم مسئله مبانی علوم انسانی است. می خواهیم علوم انسانی که منطبق بر نیازهایمان باشد درست کنیم و این کار نیازمند تغییر مبانی است.

وی افزود: شکل دادن به این مبانی با شعار و دستورالعمل ممکن نیست، بلکه باید تولید فکر کرد. تولید فکر هم بر اساس اندیشه و بنیان های صحیح و با توجه به خواسته ها و نیازها و اقتضائات جامعه است. یعنی خارج از این موارد نیست. چیزی که باید در نظر بگیریم این است که مبانی ما با مبانی غربی تفاوت بسیاری دارد. بالاخره مبانی ما توأمان با اسلام و افکار و اندیشه های اسلامی است و به طور کلی در فرهنگ و شکل گیری مبانی با غرب خیلی تفاوت داریم. مبانی معرفتی، انسان شناختی، فرهنگی و مابعدالطبیعه خودمان را داریم که همه اینها در تحول علوم انسانی بسیار مهم هستند و هر کدامشان در جایگاه خودشان باید مدنظر قرار بگیرد. اولویت اندیشه ای هم برای تغییر دادن این مبانی خیلی مهم هستند که بر اساس فکر صورت بگیرد، یعنی اصل اساسی فکر و اندیشیدن است.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه درمورد اینکه آیا این مبانی در جامعه علمی ما تدوین شده است، تصریح کرد: تدوین شدن آن بنا بر تحول و تغییر است. یعنی نمی توانیم بگوییم صددرصد تدوین شده است. هر چقدر که با تحول تاریخی و زمانی جلو می رویم در هر کدام از اینها تغییراتی رخ می دهد. بنابراین نمی توانیم به طور مطلق بگوییم این مبانی تدوین شده اند می توانیم بگوییم بسترش فراهم است.

این پژوهشگر فلسفه در مورد اینکه چه نهادها و سازمان هایی باید عهده دار تدوین مبانی علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باشند هم تصریح کرد: در درجه اول این مسئولیت به آن حوزه هایی که در حوزه علوم انسانی کار می کنند بر می گردد. یعنی جاها و پژوهشگاههایی که مختص علوم انسانی است، یعنی توأمان با فرهنگ، تاریخ، جامعه، روانشناختی و انسان است. در درجه اول این مسئولیت بر عهده این نهادها است. حمایت های دولت هم می تواند خیلی مهم باشد ولی پژوهشگاه هایی که مختص انسان، روان انسان، فرهنگ انسان، و تاریخ انسان هستند خیلی بیشتر می توانند در بسط مباحث علوم انسانی کمک کنند و می توانند در درجه اول بستر را در آنجاها فراهم کنند. این مسئله در دانشگاه ها صورت می گیرد ولی خیلی تدوین شده نیست و بسترش فراهم است.

عابد کوهی درباره اینکه تحول در علوم انسانی چه نسبتی با توسعه یافتگی بومی ما دارد هم یادآور شد: خیلی روی هم تأثیر دارند، زیرا همیشه می گویند در مباحث علوم انسانی جامعه به جایی رسید که حرفهایی برای گفتن داشته باشد و بتواند مسائل علوم انسانی را حل کند حتماً بر علمش، توسعه اش و فناوری اش پیشرفت خواهد کرد. به دلیل اینکه با انسان مواجه هستیم حالا در هر زمینه ای در هر علمی که این انسان قرار می گیرد انسان و نیازهای این انسان باعث توسعه در هر چیزی می شود. وی افزود: شما وقتی انسان قدرتمندی از نظر فکری باشید می توانید با افکاری که دارید در یک کار قدم بزنید و در آن کار موفق باشید. بنابراین اولین گام این است که به انسان اولویت دهیم و به آن چیزهایی که وابسته به انسان است مثل روان انسان، خرد انسان، اندیشه انسان، اهمیت بدهیم. اینها در درجه اول اهمیت در علوم انسانی است.

این پژوهشگر حوزه فلسفه عنوان کرد: علوم انسانی یعنی آن چیزهایی که حول و محور انسانیت است، خیلی ارتباط متقابل دارند. به هیچ توسعه و پیشرفتی نخواهیم رسید مگر این که انسان اول به شناخت توانایی های خودش رسیده باشد و به وقوف کامل بر علم خودش رسیده باشد. هرگز نمی توانیم بدون توجه به اینها به توسعه و فناوری و پیشرفت علمی برسیم.